

سخنرانی دکتر علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

افتخاری است که برای دومین بار توفیق یافته‌ام در سالروز خواجه حافظ شیرازی در جمع شما فرهیختگان، ادیبان، هنرمندان، نخبگان و مردم شریف و هنرپرور شیراز و استان فارس حضور پیدا کنم و در این چنین شب رویایی و دل‌انگیزی، در کنار هم با هم انس بگیریم.

از حضور همه‌ی شما عزیزان به‌ویژه استاندار فرهیخته و پرتلاش استان فارس جناب آقای مهندس افشانی و دبیر محترم جشنواره جناب آقای دکتر مریدی که وسیله‌ی این چنین دیدار و برگزاری مراسم باشکوه را فراهم کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. حافظ، حافظه‌ی تاریخی ما و آبرو و اعتبار تاریخ ادبیات ما است. همچنان که دیگر مشاهیر شعر و ادب و عرفان نیز مایه‌ی افتخار و اعتبار پیشینه‌ی علمی فرهنگی این سرزمین‌اند. شخصیت پر رمز و راز حافظ هزار نکته‌ی باریک‌تر از مو دارد که باز کردن پیچش گیسوی هزاربافه‌اش از شما ادیبان و حافظ‌شناسان برمی‌آید. سخن گفتن از حضرت لسان‌الغیب و شگفتی‌های شعر او بسیار دشوار است و در برابر شما ادیبان و حافظ‌پژوهان آن‌گونه که شایسته‌ی ادای حق مطلب است، از من برنخواهد آمد؛ اما به‌اقتضای مجلس و اندازه‌ی بضاعت و علاقه و ارادت به این ادیب نامدار نکاتی را محضر شما بزرگواران تقدیم می‌کنم. غزل حافظ ماندگار و جاودانه است، چون هم از فصاحت و بلاغت و آرایه‌های ادبی برخوردار و هم دربرگیرنده‌ی مفاهیم و معانی سترگ و ژرفی است که اهل ذوق و هنر را به خود معطوف داشته است. دیوان حافظ تنها یک گنجینه‌ی ادبی نیست، بلکه دریایی است مشهور از گهرهای عرفانی حکمت و اخلاق و سیروسلوک که خواجه‌ی شیراز آن‌ها را در لفافه‌ی ابهام و کنایت از سویدای دل خویش در قالبی زیبا و بدیع سروده و پاره‌ای از اسرار عشق و عرفان را در آن به زبان آورده است:

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

زبان حافظ گاه چنان ساده و آشناست که گویی ترانه‌اش را از عهد گهواره شنیده‌ایم و گاه آنچنان با رمز و معما می‌گوید که پنداری پیامی است که از کهنکشان‌های دور می‌رسد. لحن حافظ گزنده و کنایه‌آمیز است، اما در آن مایه‌ای از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی هم دیده می‌شود. گویی حافظ با هوشیاری و فرزاندگی، شیوه‌ی تازه‌ای برای مبارزه با نابسامانی‌ها و بداخلاقی‌های جامعه برگزیده است که چون بیان شاعرانه‌ی او تازگی دارد. چند نکته در باب ماندگاری شعر و شخصیت کم‌نظیر حافظ قابل تأمل است که شاید برای شما بزرگواران تکراری باشد، اما بازگویی آن در این ایام به‌یادماندنی که به‌نام و یاد حضرت لسان‌الغیب، روز حافظ نام‌گذاری شده برای همه‌ی ادب‌دوستان شیرین و شنیدنی است. رمزپردازی یکی از زیبایی‌های شعر حافظ است که دیوانش را خانه‌ی راز کرده و بدان وجوه گوناگون بخشیده است. کاربرد وسیع ایهام، شعرش را لذت‌بخش و رازدار کرده است. زمان پرفتنه‌ی حافظ، زبانی خاص برای اعتراض و مخالفت طلب می‌کرد؛ زبانی که قابل تفسیر به مواضع مختلف باشد و سراینده‌اش را از فتنه‌های زمان در امان دارد. علاوه بر این‌ها در سنت شعر عرفانی، آشکارکردن اسرار ناپسند بوده و شاعر عارف مسلک مجبور به آموختن زبان رمز و ایهام بوده است. شعر حافظ بنا به ماهیت و طبیعتش شرح طلب است. این نکته به‌هیچ وجه ناشی از دشواری یا دیریابی آن نیست؛ بلکه چندپهلویی شعر حافظ را می‌نماید که رندانه ذهن را به هر سویی می‌کشاند تا منظورش را در لابه‌لای الفاظ موسیقایی بیان کند و جهانی آرمانی بیافریند. شرح‌طلبی شعر حافظ شباهت آن را به قرآن ظاهر می‌کند. برای هر آیه‌ی قرآن هفت بطن برشمرده‌اند و مفسران و پژوهندگان در طول تاریخ برای شرح و بسط مضامین قرآنی قلم‌ها فرسوده‌اند تا ذات آیات را آن‌گونه که شایسته‌ی کلام وحی است به مردم بنمایانند و هنوز این تلاش ادامه دارد. شعر حافظ نیز شعری برگرفته از قرآن و قابل تفسیر است. از ویژگی‌های دیگر شعر حافظ این است که همواره در لابه‌لای غزلیات پرشورش، انتظار و طلب موعود را به ذهن تداعی می‌کند. حافظ گاه به زبان رمز و اشاره و گاه به استعاره و کنایه در طلب موعود است و آفاق آرمانی و آرمان مهدویت در سراسر دیوان او به صورت آشکار و پنهان وجود دارد. منبع عمده‌ی اندیشه‌های حافظ غیر از روح حساس و ذوق آفریننده‌ای که دارد،

مطالعه‌ی کتاب است. ایجاز و ابهام و ژرف‌نگری را از قرآن و تفاسیر آموخته است و باریک‌اندیشی و دقت نظر را از آثار حکما و متکلمان. حُسن استفاده‌ی حافظ از تناسب‌های لفظی و معنوی و بهم پیوستگی تفسیرها و وحدتی که در اجزای شعر خویش آفریده کم‌نظیر است. اگر کسی با خیال‌پردازی‌ها و مسیر تداعی معنی در ذهن او آشنا و همراه شود می‌فهمد که شعر او در خط افقی هر بیت و خط عمودی غزل هماهنگ و درهم‌بافته و به‌منزله‌ی یک سمفونی واحد شده است. تأثیر قرآن و روایات بر شعر حافظ چون روز روشن است و این اثرپذیری به‌گونه‌های مختلفی رخ می‌نماید. گاه مستقیم و بی‌پرده و گاه در قالب رمز و ابهام و گاه در قالب تداعی معانی و یادآوری قصص قرآنی. اگر کسی با مباحث دینی و اخبار و احادیث مذهبی و تفاسیر قرآن بیگانه باشد، نمی‌تواند از خوان گسترده و پر نعمت ادب فارسی به‌صورت کامل بهره‌گیرد و از چشمه‌ی فیاض آن متمتع شود. حافظ در بهره‌یابی و اقتباس از آیات قرآن استاد چیره‌دست است. او با این کتاب آسمانی انس و الفتی خاص دارد و آن‌گونه که خود اشاره کرده آن را با چهارده روایت در حفظ داشته است. در اینکه حافظ پیوسته با قرآن کریم دمساز بوده و آن را در حافظه داشته است تردیدی نیست؛ زیرا علاوه بر اشاره‌ی بعضی صاحبان تذکره خود نیز بارها به این نکته اشاره کرده است:

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری
اقتباس حافظ از قرآن گاه به‌صورت مستقیم است؛ بدین معنا که تمام یا بخشی از یک آیه را با اندک تغییری به صورت مصرع یا بیتی تمام در شعر خویش آورده است:

شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر سلام فی‌ه حَتّٰی مَطْلَعُ الْفَجْرِ
و گاه با درج بخشی از آیات قرآن در مصرع یا بیت به سخن خود شکوه و زیبایی می‌بخشد. آنجا که می‌گوید:

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه‌ی جَنّاتِ تجری تحتها الانهار داشت
در اینجا «جنات تجری تحتها الانهار» از چند آیه‌ی قرآن اقتباس شده است. حافظ گاه با آوردن لفظی یا ترکیبی از قرآن به مضمون آیه‌ای اشاره کرده و چنان هوشمندانه در بین غزل تعبیه نموده است که بی‌درنگ آیه‌ی مورد نظر را به ذهن تداعی می‌کند:

حضور خلوت انس است و دوستان جمعند و اِنْ يَكَادُ بِخَوَانِيدٍ و در فراز کنید
 «و ان یکاد» تلمیحی است به آیه‌ی «وَ اِنْ يَكَادُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَيُزِلُوْكَ بِاَبْصَارِهِمْ لَمَّا
 سَمِعُوْا الذِّكْرَ وَ يَقُوْلُوْنَ اِنَّهٗ لَمَجْنُوْنٌ». گاه خواجه‌ی شیراز مفهوم و مضمون آیه‌ای از قرآن
 را با کمال مهارت و استادی به عنوان دلیل و شاهد مدعای خود آورده است:

آن همه شعبده‌ها عقل که می کرد آنجا سامری پیش عصا و ید بیضا می کرد
 استدلال و اشاره‌ای که به داستان حضرت موسی و افکندن عصا و اژدها شدن آن و
 همچنین ید بیضای او دارد. بسیاری از ابیات حافظ نزد اهل فضل و ادب بی اختیار مضمون
 آیه‌ای از قرآن کریم را به ذهن تداعی می کنند. آنچنان که در این بیت آمده است:

غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل شاید که چو واینی خیر تو در این باشد
 که مضمون «عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» را به خاطر می آورد. حافظ از این نظر در
 حد متعالی است. با بهره گیری از داستان‌ها و رویدادهای تاریخی به ویژه قصص قرآنی که
 بر تمام آن‌ها وقوفی کامل دارد، خواننده را به یاد آن داستان‌ها انداخته و او را به تأمل و
 تفکر وامی دارد:

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند چون تو را نوح است کشتیان ز طوفان غم مخور
 با این همه تأثیر قرآن در شعر حافظ بسیار بیش از آن است که بتوان در یک مقال
 بدان اشاره کرد و البته حافظ چنین اقتباس‌هایی نیز از روایات داشته است. همان گونه که
 پیش تر هم گفتیم شعر حافظ شعر شرح طلب و تأویل پذیر است و اهل فن بسیاری از
 غزلیات و ابیات مستقل او را به دلایل ادبی یا عرفانی به رویدادهای تاریخی یا ارادت به
 اولیاء الله تفسیر و تأویل کرده اند. آنجا که می گوید:

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که آن تازه براتم دادند
 از قراین چنین برمی آید که این بیت اشاره دارد به شب ضربت خوردن مولا علی (ع)
 و وقتی سخن از رندان تشنه لب می کند، گمان می رود که گوشه چشمی به حادثه‌ی کربلا و
 تشنه لبی اهل بیت (ع) دارد:

رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت

و وقتی از دیدن سرهای بریده‌ی بی‌گناه می‌گوید، او نیز به جداشدن سرهای شهیدان کربلا در آن غوغای غریب اشاره می‌کند:

در زلف چون کمندش ای دل میبچ کانجا سرها بریده بینی بی‌جرم و بی‌جنایت
 شاید آنجا که از شاه شمشاد قدان سخن می‌گوید به قمر بنی هاشم نظر داشته است:
 شاه شمشاد قدان خسرو شیرین‌دهنان که به‌مژگان شکند قلب همه صف‌شکنان
 این‌ها همه تأویل‌ها و تفسیرهایی است که نشان می‌دهد حافظ شاعری شگفت است.
 غزلش لطیف، صاف، تراش‌خورده و جلایافته و درعین حال سرشار از رمز، کنایه، ایهام،
 تلمیح و دیگر آرایه‌های لفظی و معنایی است. او در سخن، طرحی نو درانداخته و در هر
 بیتش مثل یک استاد مُنَبِّت کار با باریک‌بینی و ظرافت، زیبایی لفظ و معنا را به هم پیوند
 داده است. با این همه شعرش از شور و هیجان که غالباً در این‌گونه اشعار فدا می‌شود
 سرشار، و مناسبات وزن و آهنگ غزل‌هایش حساب شده است. عظمت هنری حافظ در
 این است که در عین سخنوری و رعایت لفظ، جانب معنا را فرونگذاشته، بلکه بلندتر داشته
 است. همین است که از خلال شعر زلالش فرزانه‌گی‌های او می‌درخشد و به ما حکمت و
 عبرت می‌آموزد. ظرایف مضمون حافظ، ذوق زیبایی‌شناختی ما را ارضاء می‌کند، ولی این
 شیوه زودگذر است. آنچه زیباست، اندیشه‌های ظریف و ظرافت اندیشه و جهان‌بینی
 اوست. به‌جرات می‌توان گفت که جهان‌شعری هیچ شاعر ایرانی به‌اندازه‌ی حافظ زنده و
 ذی‌ربط با واقعیت و آکنده از اندیشه‌های روان‌شناختی و تنوع تجربه نیست. اینکه هنوز
 هیچ هنرمندی چه نقاش و نگارگر و چه مجسمه‌ساز نتوانسته است چهره‌ای عام‌پسند و
 مقبول از حضرت حافظ به مخاطب ارائه دهد، از همین رمزآلود بودن شخصیت او نشأت
 می‌گیرد.

مرحوم ابوالحسن صدیقی در خلق چهره‌ی بوعلی‌سینا و سعدی و فردوسی توفیق
 داشت و نقاشی‌ها و مجسمه‌های او از این سه شخصیت نام‌دار به دل هر ایرانی نشست، اما نه
 او و نه دیگر هنرمندان هنوز برای خلق چهره‌ای که دربرگیرنده‌ی شخصیت رمزآلود حافظ
 باشد و نظر همگان را جلب کند توفیق نداشته‌اند. امیدوارم این گره سخت هنری هرچه

زودتر گشوده شود و چهره‌ی محبوب و عام‌پسندی از شاعر شگفتی‌ها، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی پدید آید و دست‌مایه‌ی همه‌ی هنرها قرار گیرد.

در پایان لازم می‌دانم از حضور همه‌ی شما فرهیختگان، هنرمندان، حافظ‌پژوهان، اساتید گران‌قدر، پیشکسوتان و مردم شریف و هنرپرور شیراز صمیمانه سپاسگزاری کنم و انتظار دارم که استان فارس و شهر شیراز با همه‌ی ویژگی‌های شعری و ادبی که دارد با حضور حافظ و سعدی شیراز در آینده‌ی نه‌چندان دوری، با تلاش و همت اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس و حمایت‌ها و پشتیبانی استاندار ارجمند استان فارس، جناب آقای مهندس افشانی، شاهد برگزاری سالانه یا دو سالانه‌ی بین‌المللی شعر و ادب در شهر شیراز باشیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته